



www.rouzGar.com

شاگال، نقاشی با آفرینش شاعرانه

الهام شیروی

نوشتن در مورد نقاشی‌های مارک شاگال (۱۸۷۷-۱۹۸۵)، آسان نیست. هنرمندی که استقلالِ انکارناپذیرش در کار، طبقه‌بندی‌اش را در «ایسم» یا شیوه‌ی خاص دشوار می‌کند.

شاگال نقاشی اهل روسیه بود که در اوج هنر مدرنیسم، مهاجرت‌هایی گاه خودخواسته و گاه اجباری به نقاط مهم فرهنگی و هنری دنیا از جمله سن پترزبورگ، پاریس، و نیویورک کرد و با شیوه‌های بیان تصویری مدرن، از جمله پست‌امپرسیونیسم، کوبیسم، سوررآلیسم و آبستره اکسپرسیونیسم آشنا شد، و این آشنایی از او هنرمندی ساخت سرشار از ایده و در زمان خود، بی‌رقیب و شاخص.

در نگاهی ابتدایی به آثار او با دنیایی سراسر رنگ و نور و طراوت، و سرشاری زندگی روبه‌روی ایم، دنیایی که ای بسا گمان می‌رود به قلم هنرمندی آفریده شده که تنها شور و نشاط و شادی زندگی را زیسته‌است! اما شاگال اگرچه دوران کودکی‌اش را در خانواده‌ی با ۹ فرزند، و پدری ماهی‌گیر سپری کرده‌بود و همیشه از خاطرات آن روزگار به زیبایی یاد می‌کرد، در طول ۹۷ سال زندگی، تنها لحظات خوش را تجربه نکرد؛ به‌خاطر تبار یهودی‌اش از همان آغاز جوانی در سن پترزبورگ با مشکلات بسیار روبه‌رو شد. پس از آن و با آغاز جنگ جهانی و یهودی‌ستیزی، به اجبار تن به مهاجرتی دشوار از پاریس به نیویورک داد. در همان دوران همسر خود را که بسیار وابسته‌اش بود، از دست داد. این وابستگی تا حدی بود که در بیشتر کارهای او، حضور همسرش را شاهدیم.

چنین سرگذشت پرفرازونشیبی، در آثار او، بیشتر با تنوع فرم‌ها و رنگ‌ها بر روی بوم، شیشه، و یا چاپ سنگی نمود می‌یابد و کارهایش را مبدل به دنیایی سرشار از خیال و خاطره می‌سازد. دنیایی که مخاطب ناآشنا با زندگی سخت‌او را، تنها غرق در لذت تماشا می‌کند.

نگاه شاعرانه‌ی شاگال به زندگی، در آثارش آشکارا قابل مشاهده است. شاعرانگی بصری (و نه ادبی)، سبب

خیال‌انگیزی تصویری در آثارش شده، خیال‌هایی که به صورت فیگورهایی سیال در سراسر تابلو به چشم می‌خورند، پیکره‌هایی آزاد و رها از قیدوبندی که هنرمند در تمام زندگی با آن دست‌به‌گریبان بوده، آدم‌هایی رها شده از هرگونه مرز و محدوده... انسان‌هایی که در فضا معلق اند!

نمادها و نشانه‌های تصویری در آثار او کم نیستند. نمادهایی از روزگار خوش کودکی، کودکانه‌گی را در آثار او تثبیت می‌کند، افسانه‌های روسی و میراث سنت‌های یهودی در آثارش به صورت موجودات و نشانه‌های بصری وارد می‌شوند. این سمبل‌های تصویری بارها و بارها در نقاشی‌های او تکرار می‌شوند، تا جایی که به نمادی از جانب او برای مخاطبانش بدل می‌گردند. حیواناتی مانند گاو (نمادی از قدرت)، اسب (آزادی)، و خروس و ماهی...، اشیایی مثل پنجره (رهایی) و یا درختی که به نشانه‌ی زندگی در بیشتر آثار او دیده می‌شود در کنار فیگورهای آزاد و رها حتا از قید و بند اسکلت‌های بدنشان، فضایی خیالی و سوررآل می‌سازند. با این همه هیچ‌گاه نمی‌توان نوع نگاه بی‌ظنیر و شخصی او به جهان پیرامونش را در قالبی مشخص مثل سوررآلیسم جا داد یا به سبب نوع تاش‌های قلم و رنگ‌گذاری‌های آزاد و تند و بیانگرش او را هنرمندی اکسپرسیونیست نامید.

شاگال هنرمندی است که فارغ از مرزهای جغرافیایی زیست و فارغ از سبک‌های تثبیت شده آفرید... تا جایی که نگاه ویژه و مستقل او را در هنر مدرن، همگان در تاریخ هنر جهان پذیرفتند.